

۱- السؤال الأول: تَرجم العبارات التالية إلى الفارسيّة:

- (۱) إنّ المواهب الطبعيّة سببٌ لحركة الإنسان نحو الكمال.
- (۲) كان الرسول (ع) ينزعج ممّن يُفرّق بين أولاده.
- (۳) رَبّ ظمآن بصفو الماء غصّ.
- (۴) تَعَوَّد الأغنياء في مدينة الأثبار أن يُقدّموا الهدايا لملوكهم.
- (۵) إنّما يرتفع العباد غداً على قدر عقولهم.
- (۶) لا يخون المؤمنون بعضهم بعضاً أبداً.

۲- السؤال الثاني: اكتب:

- الف) «القاعة» بالفارسيّة .....
- ب) «آبی» بالعربيّة .....
- ج) ضدّ «الحلو» .....
- د) مترادف: «العقبى»

۳- السؤال الثالث: اقرأ النصّ التالي ثمّ إجابةً كاملةً:

تقدّمت الرميضاء جريئةً بعد أن صاح المشركون: هيّوا إلى تلك الخيمة التي فيها محمّد. ثمّ وقفت على قرب من خيمة الرسول (ع) فقاتلت بشجاعة و جرحت شديداً و فرّ المشركون خائفين مذعورين و ذهب الرسول (ع) إلى اصحابه مادحاً الرميضاء.

- الف) ماذا فعلت الرميضاء بعد أن تقدّمت؟
- ب) كيف كان المشركون عند فرارهم؟
- ج) من مدحه الرسول (ع)؟
- د) عيّن نوع المعتل فيما تحته خطّ:

۴- السؤال الرابع: عيّن الصحيح عن ترجمة أو تعريب العبارات التالية:

- الف) نحن نستمع إلى القرآن خاشعين.
- ما ..... به قرآن .....
- ۱) فروتنانه - گوش می دهیم
- ۲) خاشعانه - گوش دادیم
- ب) ظاهرة قوس قزح تجعل السماء خلافة.
- ..... رنگین کمان، آسمان را ..... می سازد.
- ۱) ظاهراً - چشم‌ریا
- ۲) پدیده - دلربا
- ج) إنّ الشعاع الضوئي يتكوّن من سبعة ألوان.
- ..... از هفت رنگ .....

- ۱) پرتوهای نور - می باشد
- ۲) پرتو نورانی - تشکیل می شود
- د) خدا در قلب من محبت قرار داد.
- ۱) الله جعل في قلبي المحبة
- ۲) اللّهم! اجعل في قلبي المحبة.

۵- السؤال الخامس: صحّح الأخطاء في الترجمة:

- ۱- لمّا مات عالم الروميّين أحرّقوا جثّته.
- وقتی دانشمند رومی مُرد پس آن‌ها جسد را به آتش کشیدند.

- ۲- يستطيع الإنسان بهما أن يكتب فيصل إلى أهدافه.
- انسان به وسیله ی آن توانست بنویسد پس به هدفش برسد.
- ۶- السؤال السادس: عین الصحيح فی ترجمه ما أشیر إليه بخط:
- ۱- تکلم الناس عن أصناف الخير. (انواع، شغلها، درجات)
- ۲- يعاني بعض الناس الكسالة و الخمول. (بی توجهی، خواب، سستی)
- ۳- حمل الابن والده ليدعه خارج المدينة. (رها کند، دعا کند، قرار دهد)
- ۴- نرجو من الله أن يوفقنا للتقى هي أزكى (موفق کرده است، موفق گرداند، موفق خواهد ساخت)
- ۷- السؤال السابع: ميّز المعطوف، المفعول المطلق، المفعول فيه، الحال و نوعها، التمييز، المنادى، المستثنى و المستثنى منه و الفعل المضاعف فى العبارات التالية:
- سألت التلميذة: مَنْ أرفعُ شأنًا و مقامًا؟ - جَرَحَ غواصٌ جرحاً شديداً حينَ غوصه- إسمع يا ولدى! لا تطلبُ شيئاً إلّا الحسنات- نَظُنُّ أنّ الولدَةَ تتكلم مع نفسها و هى مشغولةٌ بأعمال البيت.
- ۸- السؤال الثامن: شكّل ما أشير اليه بخط:
- أُسْتُشْهِدَ الأب حتى تستطيع زميلاتك أن يعشن فى أمنٍ و راحة. - كان الأوروبيون أقلَّ تجرّبةً من المسلمين.
- ۹- السؤال التاسع: املاً الفراغ بالكلمة المناسبة:
- ۱- الحضار يصلّون و يصفقون و هم ..... (فرحات، فرحين، فرحون)
- ۲- نحن ..... بتبجيل المعلم. (المضارع من قام، -)
- ۳- ..... دموع الفرح على وجه الخنساء. (الماضى من جرى، - للغائبه)
- ۴- ..... الأمير! قد هيتأنا لك الهدايا. (يا، أيها، أيتها)
- ۵- أدعو ربّى أن يعفو ذنبى ..... (عفواً، عفوّ، عفوّ)
- ۶- ..... قليل جاءت البنت و سلّمت على أبيها. (بعد، جنب، عند)
- ۷- لم يكن للجماعة عملٌ إلّا ..... (الدعاء، الدعاء، الدعاء)
- ۸- إن الدار الباقية خيرٌ ..... من الدار الفانية. (ثواباً، الثواب، ثواب)
- ۱۰- السؤال العاشر: صحّح الأخطاء:
- ۱- عمِلَ الرسول الله بما طلب الأطفال و هى مسرورٌ.
- ۲- يا طالبُ المدرسة! اعلّموا أنّه لا يستفيد من العمر إلّا أصحاب الأخلاق الكريمة.
- ۳- امتلاً قلبى إيماناً فلم يردّ الله حاجتى.
- ۱۱- السؤال الحادى عشر:
- الف) أعرب ما أشير اليه بخط.
- كان أبوك أصدق الناس قولاً- كل شىءٍ يرخصُ إذا كثر إلّا الأدب.
- ب) صحّح الأخطاء فى التحليل الصرفى: اعترف بعض العلماء الغربيين بفضل العلماء المسلمين.
- اعترف: فعل ماضى، للغائبه، ثلاثى مجرد، صحيح، لازم، مجهول، معرب المسلمين: اسم، جمع مكسر، مشتق، نكرة، مبنى، منصرف، منقوص

**پاسخ سؤالات امتحانی هماهنگ کشوری - مرداد ماه ۱۳۸۶**

سؤال اول: عبارت‌های زیر را ترجمه کنید:

- ۱- موهبت‌های طبیعی سببی برای حرکت انسان به‌سوی کمال است.
  - ۲- حضرت رسول (ع) از کسی که بین فرزندان‌ش فرق می‌گذاشت (جدا می‌کرد) ناراحت می‌شد.
  - ۳- چه بسا تشنه‌ای که با آب صاف و زلال گلوگیر شود.
  - ۴- ثروتمندان در شهر انبار عادت کردند که هدیه‌ها را به پادشاهانشان تقدیم کنند.
  - ۵- بندگان فردا (قیامت) تنها به اندازه عقل و خردشان بالا می‌روند.
  - ۶- مؤمنان بعضی نسبت به برخی (دیگر) هرگز خیانت نمی‌کنند.
- سؤال دوم: بنویس: القاعه: سالن آبی: أَزْرَقْ      ضد الخُلُو: المُر      مترادف العُقَبی: الآخِرَة

سؤال سوم: متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ کامل دهید.

الف: وَقَفْتُ الرِّمِصَاءَ عَلَى قَرَبٍ مِنْ خِيَمَةِ الرَّسُولِ فَقَاتَلْتُ بِشَجَاعَةٍ حَتَّى جَرَحْتُ شَدِيداً.  
ب: كَانَ الْمَشْرُكُونَ عِنْدَ فِرَارِهِمْ خَائِفِينَ مَذْعُورِينَ. (كَانُوا خَائِفِينَ مَذْعُورِينَ)  
ج: مَدَحَ الرَّسُولُ (ع) الرِّمِصَاءَ.

و: صاح: اجوف

وقفت: مثال

سؤال چهارم: ترجمه یا تعریب درست را مشخص کنید:

- الف: گزینه ۱- نستمع فعل مضارع صیغه متکلم مع‌الغیر به‌معنی «گوش می‌دهیم» می‌باشد.
- ب: گزینه ۲- ظَاهِرَة به‌معنی «پدیده» و خَلَابَه به‌معنی «دلربا» می‌باشد.
- ج: گزینه ۲- الشَّعَاع، اسم مفرد به‌معنی «پرتو» و يَتَكَوَّن فعل مضارع به‌معنی «تشکیل می‌شود» می‌باشد.
- د: گزینه ۱- عبارت فارسی، جمله خبری و ماضی است و جَعَلَ به‌معنی «قرارداد» می‌باشد.

سؤال پنجم: اشتباهات در ترجمه را تصحیح کنید:

- ۱- رومی ← رومی‌ها: الرومیین، جمع الرومى است.  
پس ← این کلمه باید حذف شود، زیرا با فعل احرقوا حرف «فاء» به‌کار نرفته است.  
جسد ← جسدش: کلمه جثّه با ضمیر مفرد مذکر غایب به‌کار رفته است.
- ۲- آن ← آن دو، آن‌ها، ضمیر هُما در بهما ضمیر مثنی به‌معنی «آن دو» یا «آن‌ها» می‌باشد.  
توانست ← می‌تواند: فعل یَسْتَطِيع، فعل مضارع به‌معنی می‌تواند می‌باشد.  
هدفش ← اهدافش: اهداف جمع هدف به‌معنی «هدف‌هایش» می‌باشد.

سؤال ششم: ترجمه درست را مشخص کنید:

- ۱- انواع: اصناف جمع صنف به‌معنی «نوع» می‌باشد.
- ۲- سستی: خمول به‌معنی سستی به‌کار می‌رود.
- ۳- رها کند: هرگاه فعل مضارع با حرف «ل» نصب‌دهنده به‌کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می‌شود.
- ۴- موفق گرداند: هرگاه فعل مضارع با حرف «أَن» نصب‌دهنده به‌کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می‌شود.

سؤال هفتم: معطوف، مفعول مطلق و ..... را مشخص کنید:

المعطوف: مقاماً: این کلمه پس از حرف عطف «و» آمده است پس معطوف است.

المفعول المطلق: جَرَحًا: این کلمه مصدر منصوب از جنس فعل جمله یعنی جَرَحَ می باشد پس مفعول مطلق است.  
المفعول فیه: حین: این کلمه زمان انجام فعل را بیان می کند پس مفعول فیه است.  
الحال: هیَ مشغولۀ باعمال البیت: این عبارت حالت مادر را که سرگرم کارهای خانه است بیان می کند.  
نوع الحال: جمله: حال در این مورد به صورت جمله اسمیه به کار رفته است.  
التمییز: شأنًا: هرگاه اسم جامد منصوب پس از اسم تفضیل (أَرْفَعُ) که دارای نوعی ابهام است به کار رود تمییز است.  
المنادی: ولد: این کلمه پس از حرف ندای «یا» آمده است پس منادی است.  
المستثنی: الحسنات: هر کلمه ای که پس از حرف استثنای «إِلَّا» واقع شود مستثنی می باشد.  
المستثنی منه: شیئًا: الحسنات از کلمه شیئًا که پیش از حرف استثنا آمده است استثنا شده است پس شیئًا مستثنی منه است.  
الفعل المضاعف: نظنّ: هر فعلی که عین الفعل و لام الفعل آن از یک جنس باشد مضاعف است (ظنّ: - ن (عین الفعل) - ن (لام الفعل))

سؤال هشتم: حرکت گذاری کنید:

الاب: این کلمه نائب فاعل برای فعل مجهول أُسْتُشْهِدَ می باشد و نائب فاعل همانند فاعل مرفوع است.  
تستطیع: فعل مضارع پس از کلمه حتّی از ادات نصب دهنده فعل مضارع آمده است.  
راحة: این کلمه معطوف به کلمه آمَنَ می باشد و در اعراب تابع معطوف علیه یعنی آمَنَ که مجرور به حرف جرّ «فی» است می باشد.  
تجربة: این کلمه جامد تمییز است زیرا پس از اسم تفضیل «أَقْلَّ» آمده است که دارای ابهام است و تمییز، منصوب است.

سؤال نهم: جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید:

- ۱- فَرَحُون: این کلمه خبر برای مبتدای (هَمْ) و مرفوع می باشد و علامت رفع جمع سالم مذکر «واو» است.
- ۲- نَقُومُ: فعل مضارع قائم، يَقُومُ می شود که با توجه به ضمیر نَحْنُ، این فعل در صیغه متکلم مع الغیر نَقُومُ می باشد.
- ۳- جَرَتْ: حرف علّه در صیغه للغائبة از فعل های ناقص بر وزن فَعَلَ حذف می شود. (جَرَى بر وزن فَعَلَ می باشد)
- ۴- أَيْهَا: چون اسم مورد نظر (الامیر) دارای «أل» و مذکر می باشد در حالت ندا با کلمه أَيْهَا به کار می رود.
- ۵- عَفُوءًا: این کلمه از جنس فعل جمله (يعفو) و تأکید بر آن می باشد پس مفعول مطلق و منصوب است.
- ۶- بَعْدَ: با توجه به معنی عبارت و زمان آمدن دختر، این کلمه انتخاب می شود.
- ۷- الدّعاء: چون مستثنی منه در عبارت ذکر شده است (عَمَلٌ) پس مستثنی (الدعاء) منصوب است.
- ۸- ثَوَابًا: کلمه خَيْرٌ در این جا به معنی بهتر یعنی اسم تفضیل به کار رفته است. پس اسم جامد پس از آن تمییز و منصوب است.

سؤال دهم: اشتباهات را تصحیح کنید:

- ۱- الرسول ← رسول: این کلمه مضاف است و مضاف هرگز با «أل» به کار نمی رود.  
الاطفال ← الاطفال: این کلمه فاعل فعل طَلَبَ است و فاعل مرفوع است.  
هی ← هُو: چون مرجع ضمیر کلمه رسول می باشد و آن مذکر است. به عبارت دیگر جمله حالیه باید با صاحب حال مطابقت کند و چون صاحب حال (رسول) مذکر است پس ضمیر «هو» به جای «هی» به کار می رود.
- ۲- طالب ← طالب: منادی مضاف منصوب است و در این جا طالب به المدرسة اضافه شده است.  
إِعْلَمُوا ← اِعْلَم: چون مورد خطاب یعنی منادی (طالب) مفرد می باشد پس فعل نیز باید مفرد به کار رود.

اصحاب ← اصحاب؛ چون مستثنی منه در عبارت ذکر نشده است استثناء مفرغ است و اعراب مستثنی تابع نقش آن در جمله است و چون فعل جمله نیاز به فاعل دارد پس مستثنی به جای آن مرفوع می‌شود.

۳- ایمان ← ایماناً: فعل امتلاً از فعل‌هایی است که دارای ابهام است یعنی جواب‌های احتمالی متعددی برای آن می‌توان در نظر گرفت پس برای رفع ابهام به تمییز نیاز است که آن نیز منصوب است. (ایماناً). لم یَرَدْ ← لم یَرَدَّ فعل‌های مضاعف در امر و مضارع مجزوم، حرف مشدد آخرشان ساکن نمی‌گردد و معمولاً با فتحه می‌آید. (لم یَرَدَّ) سؤال یازدهم:

الف: ترکیب کنید:

اصدق: خبر کان و منصوب (پس از فعل ناقص کان آمده است و درباره ابوک خبر می‌دهد)  
قَوْلاً: تمییز و منصوب (اسم جامد منصوب پس از اسم تفضیل (اصدق) تمییز است.)  
إذا: مفعول فیه و محلاً منصوب (بیان کننده زمان زیاد شدن «شیء» است.)  
الادب: مستثنی و منصوب (پس از کلمه إلاً آمده است پس مستثنی است.)

ب: اشتباهات در تجزیه را تصحیح کنید:

إِعْتَرَفَ: للغائبه ← للغائب: این فعل مفرد مذکر غائب بر وزن إِفْتَعَلَ می‌باشد.  
ثلاثی مجرد: ← ثلاثی مزید: این فعل از باب افتعال و ثلاثی مزید است.  
مجهول ← معلوم: زیرا فعل مجهول ماضی باب افتعال بر وزن أْفْتَعَلَ و فعل معلوم آن بر وزن إِفْتَعَلَ به کار می‌رود.  
معرب ← مبنی: تمام فعل‌های ماضی مبنی هستند.

المسلمین: جمع مکسر ← جمع مذکر سالم: اسم‌های مفردی که با «ون» یا «ین» جمع بسته شوند جمع مذکر سالم است.

نکره ← معرفه: هر اسمی که دارای «أل» باشد معرفه است.

مبنی ← معرب: این کلمه جزء هیچ یک از گروه‌های اسم‌های مبنی نیست پس معرب است.  
منقوص ← صحیح الآخر: اسم منقوص آن است که در آخر آن حرف «یاء» ماقبل مکسور می‌باشد و حرکات ضمه و کسره بر آخر آن ظاهر نمی‌شود مثل: قاضی. اما اسم صحیح الآخر اسمی است که تمام علامت‌های اصلی اعراب یعنی فتحه و ضمه و کسره بر آخر آن ظاهر می‌شود مثل: المسلم.